

به نام خدا

شناخته‌های حیوانی در ادب مدرن

حسین صفی



سرشناسه : صفی، حسین، ۱۳۴۶
 عنوان و نام : ناشناخته‌های حیوانی در درام مدرن/ نویسنده حسین صفی.
 پدیدآور : تهران : نگار و نیما (نگیم)، ۱۳۹۱.
 مشخصات نشر : ۲۴۸ص.
 مشخصات ظاهری : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۷۸-۸۰-۹
 شابک :
 یادداشت : نمایه.
 موضوع : نمایش نامه -- جنبه‌های روان شناسی
 موضوع : نمایش نامه - تاریخ و نقد و تحلیل (پژوهش)
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۰۳۰۵۱PN / ۷۷ص
 رده بندی دیویی : ۰۱۹/۷۹۲
 شماره : ۲۷۰۳۲۸۲
 کتابشناسی ملی :
 تاریخ : ۱۳۹۰/۱۲/۱۱



تهران - صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۱۱۴۵

تلفکس: ۶۶۹۲۸۳۱۶

www.negima.ir

Email: info@negima.ir

ناشناخته‌های حیوانی در درام مدرن

حسین صفی

چاپ اول : ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۱۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۷۸-۸۰-۹

فهرست مطالب

۵	پیش‌گفتار
۱۱	فصل اول (چارچوب نظری)
۱۳	آغاز
۲۱	بررسی و نامگذاری نام‌های هملت و ادیپ شهریار
۲۶	سرچشمه
۳۲	فروید، آدلر، و...
۵۷	فصل دوم (پیشینه‌ی سال‌ها)
۵۹	ناشناخته‌های حیوانی در مکاتب ادبی
۷۱	بروز نمایشی
۹۱	فصل سوم (بررسی ناشناخته‌های حیوانی در آثار ایبسن، استریندبرگ و اونیل)
۹۳	ایبسن
۱۳۲	استریتدبرگ
۱۶۵	یوجین اونیل
۲۰۹	فصل چهارم (ناشناخته‌های حیوانی در اجرا)
۲۱۱	اجرا
۲۲۱	تئاتر درمانی
۲۳۵	فصل پنجم (جمع‌بندی و نتیجه‌گیری)
۲۴۳	منابع
۲۴۶	نامه‌ی نام‌ها

اما آن چه محرک دست یازیدن به چنین کاری بزرگ از طرف جوینده ای چون من بود، ارتباط تنگاتنگ کارگردانی درام و پتانسیل موجود در شخصیت‌های عمل‌کننده و گاه بازدارنده‌ی آثار دراماتیک، با شناسایی و برون ریخت ناشناخته‌ی حیوانی بوده، و همچنین است این که، در این زمینه کم تر پژوهشی در خور صورت گرفته، به ویژه آن که بررسی این امر (ناشناخته‌های حیوانی)، در درام کاربردی‌ترین و اصلی‌ترین تأثیر خود را در حوزه‌ی اجرا (اجرای تئاتر) دارد، که به قطع می‌توان گفت (چنان که در بخش‌هایی از این نوشتار خواهد آمد) یک از عمده دلایل اجراهای ناموفق از نوشته‌های موفق نمایشی، ناآگاهی و عدم سرافهم عمل کارگردان در شناخت و تحلیل این ناشناخته‌ها در آدم‌های نمایشی درام است. هر چند بخشی از عناصر روانی ما تحت تأثیر شرایط بیرونی شکل می‌گیرد، اما در نهایت، اعمال و رفتار فیزیکی و بیرونی انسان از ویژگی‌های درونی (روحی و روانی) او ناشی می‌شود. رفتار خوب و بد ما، موضع‌گیری‌های ما را بر اساس نیازهای خوب و بد، نوع ارتباط ما با جهان بیرون و... همه گی معلول شرایط و مقتضیات درونی ما هستند. بنابراین، کارگردانی می‌تواند قتل یک اجرای خوب را فتح کند که به زوایای پنهان و آشکار، پستی بلندی‌ها، شرایط جوی و حیوانیت‌های موجود در مسیر آگاه باشد. (در این زمینه بیش تر سخن خواهیم گفت)

هر چند بی‌تردید و به حق، پسند هیچ دانش‌مندی نیست که این پژوهش ناقص داعیه‌دار کاری عظیم و کامل باشد. اما با اغماض و روان گفت؛ این نوشته شاید بتواند گشاینده روزنه‌ای باشد، که پژوهش‌گرانی شایسته تر و بیسته‌تر قدم در راه گشودن این روزنه بگذارند تا رسیدن به دریچه‌ای روش‌تر و مانع‌تر از این باشد. اما آن چه که قبل از ورود به بحث گفتن اش پشیمانی کم سری از نگفتن اش در پی خواهد داشت، یادآوری چند نکته است:

از آن جا که ریشه‌های این ناشناخته‌ها چندان شناخته شده نیستند، پیشینه‌ی آن‌ها با پیشینه‌ی خلقت آدمی و شاید هم پیش تر از آن (که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی) برابری می‌کند، به ناچار، به یاری گرفتن از چند گزینه‌ی مکتوب بسنده کرده‌ام. چرا که پرداختن به همه‌ی ریشه‌ها در نزد اندیشمندان،

دانش‌وران و مکاتب روان‌شناسی، کاری است بس سترگ که از عهده‌ی چندین مجلد نیز بر نمی‌آید، خصوص آن که بخشی از نگرش‌های روان‌شناسانه به روان آدمی، ریشه در نگرش‌های فلسفی مادی و الهی دارد.

به ناگزیر از میان بزرگان علم روان‌شناسی نظرات آن دسته از عالمان را به کار برتهام که در کار روان‌شناسی ژرفانگر دستی داشته‌اند و به ریشه‌های پنهان ناشناخته‌ی پنهان پرداخته‌اند، زیرا پیچیدگی‌ها و سلول‌های تو در توی روان‌شناسی چندان چند لایه است، که هر روان‌کاو یا روان‌شناسی را نمی‌توان در آن محدود کرده‌اند. بررسی این امر نیاز به استفاده از افکار و نظرات برجسته‌ترین فلاسفه دارد. (نه هر که چهره بر افروخت دلبری داند). بگویم که حتی در این سال‌ها نیز به لحاظ حجم فیزیکی این پژوهش، و هم زمان محدود آن، چاره‌ای نیست که بر این بین هم دست به گزینش بزنم، و به فراخور موضوعیت پژوهش و دوره‌های مورد بحث، به برجسته‌گان متأخر و ژرفانگر روان‌شناسی، که حقی ماندگار و گرانبه‌ای از دانش داشته‌اند روی آورم؛ فروید، یونگ، آدلر، میرچالیا و تنی چند که محاسن اصلی پژوهش بوده‌اند، و چندی دیگر، که به ضرورت در جاهای متفاوت با آن نظرات شان بهره جسته‌ام. پرداختن به هر کدام از این متفکران نیازمند بحثی مفصل و نیازمند پژوهشی جداگانه بود، پس، در انتخاب دیدگاه‌ها، شاید آن بخش را برگزیدم که موضوعیت بیش تر و شفاف‌تری با بحث داشت.

در عرصه‌ی درام نیز، که پیوندی ناگسسته با ناشناخته‌های حیوانی دارد و موضوع این پژوهش قرار گرفته، محدودیت‌های بالا، وجود بخش‌هایی در آن جا نیز گزینشی عمل کرده‌ام تا در این نوشتار بگنجد. در این راستا تمسک کرده‌ام نمونه‌های برجسته و شاخصی (اگر بشود چنین تفکیکی قابل شد) را بر سه دوره‌های شاخص درام انتخاب کرده و ناشناخته‌های حیوانی را در آن‌ها به اجمال بررسی کنم. زیرا ناشناخته‌های حیوانی در همه‌ی آثار دراماتیک (در هر کدام به شکل و شمایلی خاص، بسته به ژانر و مکتب ادبی نمایش نامه) وجود دارد. پس هیچ نمی‌شد کرد مگر انتخاب چند نمونه‌ی محدود. بنابر این به یونان

باستان و رنسانس (نئوکلاسیک‌ها) و دوران اخیر که معاصرش می‌خوانیم گریزی زده شده، که به طور قاطع نمی‌توانم ادعای انتخاب‌هایی اصلح را داشته باشم. هر چند درام مدرن و درام نویسانی چون ایبسن، استریندبرگ و اونیل محور اصلی و اساسی این تحقیق هستند؛ امای اول این که، به خاطر وابسته‌گی و شکل‌پذیری درام در دوره‌های متفاوت و تأثیر عنصر بینامتنی در خلق آثار، نگاهی نیز به دیگر درام‌های مدرین (هر چند محدود و به اجمال) داشته‌ام، شاید به راه‌گشایی مطلب یاری مان کند. و امای دوم این که، بررسی ناشناخته‌های حیوانی در هر نمایش نامه‌ای که مستلزم بررسی ساختاری و درون‌مایه‌ای آن است، نیاز به وسعی همه‌گونه وسیع‌تر دارد. به خصوص آن که طرف حتمی و نهایی این نگرانی چون ایبسن، استریندبرگ و اونیل باشند، با آثاری بزرگ و برجسته‌شان. بنابراین، ایشان نیز چند نمایش نامه‌ی مشخص، و از هر نمایش نامه یک یا دو شخصیت محدود، که بیش‌تر پروتاگونیست (عمل‌کننده) هستند مورد نظر و بررسی قرار گرفته است.

و اما اجرا. از آن جا که در خصوص نمایش هر پژوهش، من جمله این پژوهش باید جنبه‌ی کاربردی داشته باشد و در نهایت انجام عملی موضوع مورد نظر قرار گیرد، لذا چشم‌انداز و هدف اصلی این نوشتار نیز در خدمت بازبایی و بازشکافی تحلیل عمیق و مناسب شخصیت‌های نمایش، جهت اجرای هر چه باورپذیرتر نمایش‌ها خواهد بود (لااقل تلاش نگارنده بر این ایستاده است) چرا که همه‌گان بر این باورند که یک اجرای تمیز و منسجم، ریشه در تحلیلی عمیق و صحیح از متن نمایشی و شخصیت‌های آن دارد. بر این اساس، در اینجا یادآوری است که با شناخت از شیوه‌های منطقی و ریشه‌ای تحلیل شخصیت‌های نمایشی و امای، به راحتی می‌توان آن را به دیگر شخصیت‌های مورد نظر در بقیه نمایش‌ها تعمیم داد. بنابراین در این پژوهش، که تأکید می‌کنم هدف آن بهر گریزی در کارگردانی و اجرای تئاتر است، هر جا که مناسب و ضروری دیده شد، درباره‌ی ارتباط شناخته شدن ناشناخته‌های حیوانی با اجرا نیز کاوشی صورت گرفته (البته در حد وسع و توان پژوهش). گذشته از این، با توجه به اهمیت بازدهی تحقیق در گستره‌ی اجرا، فصلی مشخص را نیز به این امر اختصاص داده‌ام، که

هرچند به طور قطع و یقین (با توجه به گستردگی و ماهیت زمینه‌های تحقیق) کافی نیست، اما شاید بتواند باب بحث‌های مشروح‌تر و کارشناسی شده‌تری را در بخش اجرا، آغازگر باشد.

و در نهایت بازگویی این نکته خالی از ضرورت نیست که ایپسن و استریندبرگ به عنوان دو تن از پایه‌گذاران درام مدرن، به همراه یوجین اونیل که جست‌ترین اثر اکسپرسیونیستی، یعنی "میمون پشمالو" را در کارنامه‌ی خود دارد، به عنوان الگوها و نمونه‌های مثالی در این پژوهش، فصلی مستقل را تشکیل داده‌اند، تا از این گذر و با بررسی برخی شخصیت‌ها در آثار این سه تن، که درام مدرن، رتبه‌بندی عمده‌ترین بازتاب‌هایش متأثر از این‌ها (به ویژه ایپسن و استریندبرگ) به دست‌یابی به گردن درام مدرن دارند) بوده، بتوانیم راهی به سوی شناخت نهایی این حیوانی در درام مدرن بگشاییم.

اما پیش از ورود به بحث اصلی و چارچوب نظری، و برای آشنایی‌مان با عنوان مورد بحث (ناشناخته‌های حیوانی)، ضروری دیدم که هر چند مختصر و گذرا، نگاهی داشته باشم به واژه‌های مشابه و تشکیلی دهنده‌ی عنوان پژوهش. و از آن جا که واژه‌شناسی عنوان پژوهش کار بسیار وسیع، و مجال ما برای این پژوهش و طرح موضوعات مرتبط‌تر و اصلی‌تر، زمان‌گیرتر خواهد بود، بنابراین نگاهم به مورد یاد شده، صرفاً از باب آشنایی اولیه با آن می‌باشد، نه شرح و تفسیر و تأویل آن. بنابراین، بی آن که توصیه‌ها را باز باشد، مشتاقان بازشناسی این عنوان می‌توانند به منابع و مراجع زیر ارزشمند داخلی و خارجی مراجعه فرمایند.

اما در غالب فرهنگ‌های انگلیسی به فارسی یا فارسی به انگلیسی، معادل واژه‌های مورد نظر ما این گونه آمده است:

Unknown ناشناخته، مجهول، ناشناس، گمنام، بی شهرت، نامعلوم (مثال: سرباز گمنام)
(U. Soldier)

brutal جانور خوی، حیوان صفت، وحشی، بی رحم، شهوانی

brutality جانور خویی، وحشی گری، بی رحمی، سببیت

brutalize وحشی یا حیوان صفت کردن، وحشی شدن

brute جانور خوی، حیوان صفت، بی خرد، سب، بی رحم، آدم بی شعور یا شهوانی

brutish

حیوانی

U. brutal

ناشناخته‌ی حیوانی

U. brutal characteristics

ناشناخته‌های حیوانی شخص بازی

واقعیت امر این است؛ از آن جا که هیچ منبع مشخصی که دقیقاً با این عنوان

(ناشناخته‌های حیوانی در درام)، و حتی هیچ فصل یا بخش مشخصی نیافتم، و

برگردانی با این عنوان ندیدم، و همچنین با مشاورت گرفتن از استاد فرزانه جناب

آقای دکتر فرزانه سجودی، به این نتیجه رسیدم که این عبارت **U. brutal**

characteristics، گر چه برای عنوان این پژوهش (ناشناخته‌های حیوانی)

ممکن است ظاهراً بر گردان و معادلی تحت اللفظی به شمار آید، اما عبارت

معنایی و به عبارتی نیز همین می‌باشد. اگر بزرگی و عجزی، عبارت یا ترکیب

درست‌تر و مناسب‌تری را باغ داشتند، سپاس دارشان خواهم بود، که آن را

گوشزد نمایند. بشیرین و آخرین لحظات، عنوان را این گونه اصلاح کردم:

Unconscious Brutality Characteristics